

گزارش

بقایي: فرصت نشست عمان با کشورهای منطقه فعلا از دست رفت

سختگوي وزارت خارجه در نشست هفتگی با خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره مباحث مطرح‌شده مبنی بر دخالت ایران درباره مسائل یمن گفت: ایران هیچ مداخله‌ای در مباحث مرتبط با یمن ندارد. او افزود: برای ما وضعیت منطقه مهم است و و این موضوع برای ما مهم و مورد توجه است که برخی بازیگران خارج از منطقه به دنبال تشدید تنش بین کشورهای اسلامی هستند و می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. در همین چارچوب ما مواضع خود را صریح اعلام می‌کنیم و این اعلام مواضع نباید به معنای دخالت تلقی شود.
بقایي با بیان اینکه انصارالله یمن یک طرف مستقل در یمن است و بر اساس مصالح خود تصمیم می‌گیرد، ادامه داد: وقتی می‌خواهیم در مورد تحولات یمن صحبت کنیم، باید به اتفاقات گذشته نیز توجه کنیم. یمن کشوری است که طی ۱۰ الی ۱۲ سال گذشته مورد تعرض قرار گرفته، محاصره شده و از سوی یمنی‌ها تلاش‌های زیادی شده است که به حقوق و کرامت خود دست پیدا کنند. سختگوی دستگاه دیپلماسی ادامه داد: یمنی‌ها همچنین در طول مدت اخیر به خاطر موضع اصولی‌شان در حمایت از مردم فلسطین و مخالفت با نسل‌کشی رژیم صهیونیستی، مورد حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار گرفتند و در واقع آنها نشان دادند انسان‌های آزاده‌ای هستند.

کشورهای منطقه درباره یمن واقعیت‌ها را ببینند و فرافکنی نکنند

او همچنین با اشاره به مواضع برخی از کشورهای منطقه در مورد تحولات یمن و ادعاهایی که علیه ایران در این ساره مطرح کرده‌اند، گفت: توصیه‌ام به تمام کشورهای منطقه این است که واقعیت‌ها را ببینند و فرافکنی نکنند.
بقایي در این نشست همچنین گفت: از این فرصت استفاده می‌کنم و به خانواده جدیدترین شهید مقاومت ایرانیان در برابر جنایت آمریکا تسلیت می‌گویم. چنان که آگاهید، در ماجرای ناامن‌ساختن کشتیرانی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، دشمن آمریکایی به شناوری در نزدیکی جزیره هنگام حمله کرد که در جریان آن یکی از هم‌وطنان ما به نام «حمشید رجبی» به شهادت رسید و چند نفر مجروح شدند، از جمله دو شهروند پاکستانی که در آن شناور کار می‌کردند. به خانواده محترم شهید تسلیت عرض می‌کنیم و برای مجروحان حادثه آرزوی سلامتی داریم. او افزود: این نیز نشانه دیگری است از اینکه آمریکا، هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خود، در منطقه ما لشکرکشی کرده و ادعای نگرانی نسبت به ایمنی و امنیت کشتیرانی دارد ولی در کنار مرزهای ما و در سواحل ما به شناورهای ایرانی حمله می‌کند و به این شکل، امنیت و ایمنی آبره‌ها را مورد تعرض قرار می‌دهد.

ادعاها درباره اطلاع ایران از حمله به خط لوله نفت عربستان دروغ است

سختگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به ادعای مطرح‌شده از سوی آمریکایی‌ها مبنی بر اینکه ایران در جریان حمله به خط لوله نفت عربستان نقش داشته است، گفت: آمریکایی‌ها بدون هیچ هزینه‌ای در حال تولید خبرهای دروغ هستند، او با اشاره به تلاش بازیگران خارج از منطقه برای افزایش تنش بین کشورهای منطقه از طریق خرسازی و طرح ادعاهای دروغ و اینکه باید کشورهای اسلامی و منطقه مواظب این‌گونه اقدامات باشند، گفت: ادعاهای مطرح‌شده از سوی آمریکایی‌ها، قاطعانه تکذیب می‌شود.

کاردار ارتش را برای اعلام اعتراض فراخوانید

بقایي در واکنش به اقدام دولت اتریش در صادرنکردن روادید ورود برای هیئت نمایندگی ایران به ریاست اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی برای شرکت در نشست عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: اقدام دولت اتریش به عنوان دولت میزبان، مطلقا ناموجه است. او افزود: دولت اتریش طبق تعهدات خود باید روادید ورود هیئت نمایندگی ایران را صادر می‌کرد. ما مراتب اعتراض خود را به‌صراحت به دولت اتریش منعکس کردیم و کاردار این کشور نیز برای اعلام اعتراض به وزارت امور خارجه فراخوانده شد و در این جلسه نیز مراتب اعتراض خود را اعلام کردیم.
بقایي با اشاره به آنچه تناقض در رویکرد کشورهای غربی خواند، اظهار کرد: هم‌ااش تناقض در تناقض است؛ از یک طرف یک کشور را متهم می‌کنند، قطع‌نامه صادر می‌کنند و گزارش‌های نادرست تهیه می‌کنند و بعد اجازه حضور نمایندگان کشور برای دفاع از خودش را هم سلب می‌کنند. چنگی که شروع کرده‌اند، فقط جنگ نظامی نبوده، بلکه جنگ در عرصه دیپلماتیک و حقوقی نیز هست تا مانع از رسیدن صدای ایران به سایر کشورها شوند. ما از همه ابزارها استفاده می‌کنیم اما اجازه ندهیم چنین هدفی محقق شود.

این مقام وزارت امور خارجه در ادامه درباره توجیه دولت اتریش مبنی بر قرارداشتن این کشور تحت فشار یا درخواست آمریکا برای عدم صدور روادید، گفت: اینکه دولت اتریش به ما بگوید تحت فشار یا درخواست آمریکا این کار را انجام داده است -که برای ما مشهود است فشار آمریکا بوده- به‌هیچ‌عنوان رفع‌کننده مسئولیت دولت میزبان نیست. من فکر می‌کنم هر دولتی که میزبانی سازمان‌های بین‌المللی و نشست‌های بین‌المللی را برعهده دارد، باید بیش از هر چیز مراقب اعتبار و جایگاه خودش باشد و اجازه ندهد فشارهای آمریکا باعث شود این کشورها برای خودشان مسئولیت بین‌المللی ایجاد کنند آن هم به دلیل عدم ایفای تعهداتشان. سختگوی دستگاه دیپلماسی در پاسخ به سوآلی درباره نشست عمان و نقد عملکرد وزارت خارجه درباره برگزاری نشست در زمان افزایش قیمت نفت، گفت: همه می‌دانند تصمیم‌گیری در مباحث سیاست خارجی و امنیت ملی، تک‌بعدی و تک‌مؤلفه‌ای نیست. نمی‌توان درباره موضوعات بسیار حساس و پیچیده امنیت ملی کشور، صرفا بر اساس یک مؤلفه تصمیم گرفت. مثلا امروز قیمت نفت بالا رفته است، بنابراین نمی‌توانید صرفا بگویید به دلیل بالا و پایین رفتن قیمت نفت، فلان تصمیم را بگیریم یا نگیریم. او افزود: ما نباید به دلیل اقدامات نسجیده یا بدعهدی دیگران، اقدامات منطقی و آینده‌نگرانه خودمان را زیر سؤال ببریم. اینکه ایران و عمان به عنوان دو دولت ساحلی، درباره موضوعی که منحصر به خودشان مربوط است تصمیمی گرفته‌اند، بر مثنی تفاهم کرده‌اند و سپس می‌خواهند در راستای رویکردی مسئولانه و دوراندیشانه، تفاهم خود را در جلسه‌ای با حضور کشورهای منطقه عرضه کنند، به نظر من در راستای حکمت تصمیم‌گیران است.

انتظار می‌رفت کشورهای منطقه قدر حضور در نشست طرح توافق ایران و عمان را بدانند

بقایي توضیح داد: آنچه بین ایران و عمان تفاهم شده، درباره تعیین مسیرهای ایمن دریانوردی است و به دو دولت ساحلی مربوط می‌شود. حقوق ناشی از حاکمیت آنها در نظر گرفته شده و همه جوانب یک پس از هفته‌ها مذاکره میان دو کشور حاصل شده است. قرار هم بر این بود که صرفا در این نشست، این موضوع «شرح» شود. این فرصتی بود که ایران و عمان فراهم کردند و انتظار می‌رفت کشورهای منطقه فرصت‌شناس باشند و قدر چنین موقعیت‌هایی را بدانند. اگر واقعا معتقدند ما به عنوان همسایگان دائمی، با وجود همه بحث‌ها و همه شکایت‌های بقیی که از عملکرد برخی از این کشورها داریم، باید دور هم بنشینیم و درباره ایجاد منطقه‌ای امن، به دور از مداخله بازیگران مخرب خارجی گفت‌وگو کنیم، این فرصت بسیار مناسبی بود. فکر نکنم هیچ طرف مسئولی بپذیرد که این فرصت را به هر دلیلی، چه به دلیل اعمال نفوذ طرف‌های خارج از منطقه و چه به دلیل بهانه‌جویی‌هایی که واقعا هیچ ارتباطی به ایران ندارد، نباید برگزار کنیم. سختگوی دستگاه دیپلماسی درباره خبرها درمور نقش عربستان در این باره گفت: خبری که مطرح شده درست است؛ عربستان درخواست کرد این نشست فعلا برگزار نشود.

موسسی موحد: بازگشایی تدریجی مرزهای ایران و عراق را از یکشنبه می‌توان نشانه‌ای از تلاش تهران و بغداد برای مهار و مدیریت تبعات تحولات جاری منطقه بر مناسبات دوجانبه دانست؛ چراکه این تحولات در صورت تداوم، می‌تواند بر روابط اقتصادی، امنیتی و تجاری دو کشور نیز سایه افکند. دولت عراق از بامداد روز شنبه، در پی تحولات اخیر، گذرگاه‌های مرزی شلمچه و جاذبه را به‌طور موقت مسدود و پروازهای بصره به ایران را نیز تعلیق کرد. شلمچه، به عنوان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین گذرگاه‌های زمینی میان ایران و عراق، نقشی تعیین‌کننده در مبادلات تجاری و تردد میان دو کشور دارد و بسته‌شدن آن، به‌ویژه برای صادرکنندگان ایرانی، می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل توجهی به همراه داشته باشد؛ از توقف و اختلال در انتقال کالاهای فسادپذیر گرفته تا کاهش حجم تجارت مرزی و محدودشدن درآمدهای ارزی. به گزارش رسانه‌های عراقی، انسداد مرزها به دستور علی الزیدی، نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق و با اعلام «لابل ناملعوم» صورت گرفت و تردد مسافران و جابه‌جایی کالا را نیز شامل شد. این تصمیم پس از ادعای عربستان درباره حمله پهبادی پنجشنبه هفته گذشته به خط لوله شرق-غرب این کشور از خاک عراق اتخاذ شد. البته تاکنون هیچ گروهی مسئولیت این حمله را نپذیرفته و «مقاومت اسلامی در عراق» نیز آن را رد کرده است.

خط لوله‌ای که نفت عربستان را از هرمز دور می‌کند

خط لوله شرق-غرب عربستان که با نام «پترولین» نیز شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های انتقال نفت خام این کشور است. این خط لوله با طول تقریبی ۱۲۰۰ کیلومتر، نفت خام را از منطقه نفت‌خیز شرق عربستان به ینج رد ساحل دریای سرخ منتقل می‌کند؛ مسیری که به ریاض امکان می‌دهد بخشی از نفت خود را بدون عبور از تنگه هرمز به بازارهای بین‌المللی برساند. این خط لوله تحت مدیریت شرکت دولتی آرامکو قرار دارد و ظرفیت کامل پمپاژ آن حدود هفت میلیون بشکه در روز اعلام شده است. اهمیت این مسیر در ماه‌های اخیر افزایش یافته؛ زیرا در پی تشدید درگیری‌های نظامی در منطقه و کاهش تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، عربستان بیش از گذشته به مسیرهای جایگزین برای انتقال و صادرات نفت خود نیاز پیدا کرده است. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده در بسته خبری، حدود دو میلیون بشکه از ظرفیت روزانه خط لوله شرق-غرب به پالایشگاه‌های واقع در ساحل غربی اختصاص دارد و ظرفیت باقی‌مانده می‌تواند برای مقاصد دیگری، از جمله صادرات، مورد استفاده قرار گیرد؛ هرچند این ظرفیت به معنای آن نیست که پیش از توقف اخیر، همین میزان نفت واقعا از طریق ینج صادر می‌شده است.

داده‌های ردیابی نفتکش‌ها نیز نشان می‌دهد حجم واقعی بارگیری در ینج کمتر از ظرفیت تئوریک خط لوله بوده است. شرکت ورتکسا میزان بارگیری نفت خام و میعانات در ینج را در اوایل سپتامبر حدود ۳۰۷ میلیون بشکه در روز برآورد کرده، در حالی که شرکت کپلر این میزان را حدود ۲۰۹ میلیون بشکه در روز تخمین زده است. اختلاف میان این دو عدد نیز به تفاوت روش‌های محاسبه و ردیابی آنها بازمی‌گردد. بنابراین، توقف فعالیت خط لوله را نمی‌توان به معنای از دست رفتن روزانه هفت میلیون بشکه نفت دانست؛ چراکه این رقم ظرفیت حداکثری خط لوله است، نه میزان واقعی انتقال یا صادرات در زمان حادثه. با این حال، اهمیت ماجرا در جای دیگری است. خط لوله شرق-غرب در شرایط کنونی یکی از ابزارهای عربستان برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلال احتمالی در تنگه هرمز محسوب می‌شود. از این رو، هرگونه حمله یا اختلال در این مسیر

آخرین وضعیت مرزهای ایران و عراق



می‌تواند توان ریاض برای انتقال نفت به پالایشگاه‌ها و پایانه‌های صادراتی ساحل غربی را تحت تأثیر قرار دهد.

وزارت انرژی عربستان اعلام کرده بود فعالیت خط لوله پس از حملات پهبادی به عنوان اقدامی احتیاطی متوقف شده است تا عملیات ایمن‌سازی و بررسی وضعیت ایمنی آن انجام شود. چنین تعبیری الزاما به معنای تخریب گسترده یا خروج طولانی‌مدت خط لوله از مدار نیست و مدت توقف به میزان و محل خسارت و آسیب احتمالی به ایستگاه‌های پمپاژ، تجهیزات برق، سامانه‌های کنترل و دیگر تأسیسات وابسته خواهد بود. در این حال، این نخستین بار نیست که این زیرساخت هدف حمله قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات بسته خبری، در حمله قبلی در ماه آوریل، یکی از ایستگاه‌های پمپاژ آسیب دید و ظرفیت خط لوله برای مدتی حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. اما چند روز بعد ظرفیت کامل آن احیا شد. با این حال، درباره حمله ۱۰ سپتامبر هنوز برآورد مشابهی از میزان خسارت یا کاهش ظرفیت منتشر نشده است. از سوی دیگر، درباره عاملان این حمله نیز هنوز پاسخ قطعی وجود ندارد. عربستان مدعی شده است حمله از خاک عراق انجام شده، اما «مقاومت اسلامی در عراق» این ادعا را رد و اعلام کرده است هیچ مدرک معتبر و قابل اتکایی برای ارتباط گروه‌های عراقی با حادثه ارائه نشده است. همین موضوع، پرونده را در مرحله‌ای از ابهام قرار داده که تحقیقات بغداد می‌تواند در روشن‌شدن ابعاد آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

ادعای دخالت ایران قاطعانه رد می‌شود

در تهران، واکنش رسمی به ادعاهای مطرح‌شده درباره نقش ایران روشن و صریح بود. اسماعیل بقایي، سختگوی وزارت امور خارجه، روز دوشنبه ۲۳ شهریور در نشست خبری خود، ادعای مطرح‌شده درباره حمله ایران به خط لوله عربستان از خاک عراق را رد کرد و گفت این ادعاها از سوی آمریکا مطرح شده و دخالت ایران در این تحولات «مطلقا» درست نیست. بقایي همچنین این‌گونه ادعاها را در چارچوب تلاش برای تشدید اختلاف میان کشورهای منطقه ارزیابی کرد و گفت کشورها باید مسائل موجود میان خود را حل‌وفصل کنند و اجازه ندهند طرف‌هایی که خیر و صلاح منطقه را نمی‌خواهند، از اختلافات موجود برای پیچیده‌ترکردن شرایط استفاده کنند. به این ترتیب، موضع تهران بر دو محور استوار بود: نخست رد صریح هرگونه دخالت ایران در حمله و دوم تأکید بر ضرورت جلوگیری از

تبدیل این حادثه به عاملی برای افزایش تنش میان کشورهای منطقه. در همین چارچوب، تماس تلفنی عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و فواد حسین، وزیر امور خارجه عراق، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. دو وزیر روز شنبه درباره موضوعات دوجانبه، تحولات منطقه‌ای و روندهای جاری گفت‌وگو کردند و بر ضرورت تداوم هماهنگی‌ها درباره ثبات و امنیت مرزهای مشترک تأکید داشتند. آنها همچنین بر اهمیت اتخاذ رویکردهای مسئولانه در قبال تحولات منطقه و جلوگیری از تشدید تنش‌ها گسترش دامنه درگیری‌ها تأکید کردند. این تماس در شرایطی انجام شد که بغداد در واکنش به تحولات اخیر، اقداماتی امنیتی در مرزهای خود با ایران انجام داده بود. یک منبع امنیتی عراق پیش‌تر اعلام کرده بود گذرگاه شلمچه به دستور نخست‌وزیر عراق به‌طور موقت بسته شده و این تصمیم شامل تردد مسافران و کالا نیز می‌شود. این اقدام اندکی پس از دستور بغداد برای بررسی حملاتی انجام شد که عربستان مدعی شده بود از داخل استان ميسان صورت گرفته است.

با این حال، روند تحولات مرزی خیلی زود وارد مرحله دیگری شد. مرکز رسانه امنیتی عراق اعلام کرد ورود مسافران و روند تجارت در گذرگاه‌های الشیب، شلمچه و مندلی از سر گرفته می‌شود. بر اساس جدول اعلام‌شده، ورود مسافر از شلمچه و الشیب از صبح یکشنبه ۱۳ سپتامبر از سر گرفته شد و تجارت در شلمچه از صبح دوشنبه ۱۴ سپتامبر، در مندلی از صبح سه‌شنبه ۱۵ سپتامبر و در الشیب از صبح پنجشنبه ۱۷ سپتامبر از سر گرفته خواهد شد. بغداد همچنین اعلام کرده است ترانزیت و تجارت با ایران در گذرگاه‌های زرباطیه و المنذریه متوقف نشده و به‌صورت ۲۴ساعته ادامه داشته است. این بازگشت تدریجی فعالیت مرزی، از یک سو نشان می‌دهد تصمیم اولیه بغداد بیش از آنکه به معنای قطع روابط مرزی با ایران باشد، در چارچوب اقدامات امنیتی و بررسی‌های انجام‌شده اتخاذ شده و از سوی دیگر، ضرورت مدیریت تبعات اقتصادی چنین تصمیم‌هایی را برجسته می‌کند.

نگرانی تجار از هزینه‌های تازه

اهمیت اقتصادی بسته‌شدن گذرگاه‌های مرزی نیز به‌ویژه در مناطق جنوبی ایران خود را نشان داده است. رئیس اتاق بازرگانی خرمشهر اعلام کرده تردد مسافران در مرزهای ایران و عراق به حالت عادی بازگشته و دولت عراق نیز از صبح دوشنبه اجازه ازسرگیری صادرات محموله‌های تجاری از شلمچه را داده

معمای حمله به خط لوله عربستان

است. در عین حال، سیدمصطفی موسوی، رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی ایران، درباره وضعیت سایر مرزها توضیح داده است تردد مسافران در چذابه عادی است، اما در بخش تجاری، بازگشایی آن برای روز پنجشنبه برنامه‌ریزی شده است. درباره مرز خسروی نیز تردد مسافران ادامه دارد و قرار است جابه‌جایی محموله‌های تجاری از روز سه‌شنبه آغاز شود. با وجود این، فعالان اقتصادی معتقدند تصمیم ناگهانی برای بستن مرزها می‌تواند برای تاجار هزینه‌زا باشد. موسوی گفته است عراق دست‌کم باید پیش از بستن مرزها اطلاع‌رسانی می‌کرد تا مردم و تجار فرصت لازم برای مدیریت محموله‌های خود را داشته باشند. نگرانی اصلی در این میان، کالاهای فاسدشدنی است که امکان نگهداری طولانی‌مدت آنها در سردخانه‌های مرزی محدود است. به گفته او، بسته‌شدن شلمچه موجب شد برخی بازرگانان کالاهای خود را از مسیرهای دیگر منتقل کنند و همین مسئله هزینه حمل‌ونقل را حدود ۲۵ درصد افزایش داد. در مورد کالاهای ساختمانی، به دلیل وجود زیرساخت‌های لجستیکی مناسب در شلمچه، نگرانی کمتری وجود داشت؛ اما برای کالاهای سردخانه‌ای، توصیه شده است محموله‌ها با خودروهای یخچال‌دار حمل شوند تا امکان ماندگاری آنها برای مدت بیشتری فراهم باشد. هم‌زمان، در داخل عراق نیز واکنش‌های متفاوتی به تصمیم دولت درباره مرزها شکل گرفته است. برخی تحلیلگران عراقی، از جمله صباح العکلی، تصمیم برای بستن مرزها با ایران را اقدامی شتاب‌زده و ناشی از فشارهای خارجی دانسته‌اند. در مقابل، مقام‌های دولت عراق بر این تأکید دارند که کشورشان نباید به میدان درگیری دیگران با مبدأ حمله به کشورهای همسایه تبدیل شود.

علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، نیز در سخنانی بر استقلال تصمیم‌گیری عراق، تقویت اتحاد دولت، اصلاح اقتصاد و مبارزه با فساد تأکید کرده و گفته است اجازه نخواهد داد عراق به میدان درگیری‌های دیگران با مبدأ حمله به کشورهای همسایه تبدیل شود. در همین حال، سیدعمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق و نزار آمیدی، رئیس‌جمهور عراق، در دیداری در بغداد درباره وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور و چالش‌های پیش‌روی آن گفت‌وگو کردند. حکیم بر ضرورت استفاده از بحران کنونی برای اصلاح ساختار اقتصادی عراق، افزایش تولید نفت، متنوع‌سازی مسیرهای صادراتی و کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی تأکید کرده است. همچنین بر پایبندی عراق به قانون اساسی و این اصل تأکید شده که خاک این کشور نباید به گذرگاه یا محل آغاز تهدید علیه کشورهای همجوار تبدیل شود. اکنون با بازگشت تدریجی فعالیت در گذرگاه‌های مرزی، بخش مهمی از نگرانی‌های فوری درباره تجارت میان ایران و عراق کاهش یافته؛ اما اصل ماجرا همچنان پابرجاست. حمله به زیرساختی که برای عربستان نقش مسیر جایگزین تنگه هرمز را ایفا می‌کند، در کنار ادعاهای متناقض درباره منشأ حمله و واکنش‌های امنیتی بغداد، نشان می‌دهد هر حادثه‌ای در فضای پرتنش کنونی منطقه می‌تواند به‌سریعت از یک رخداد محدود امنیتی به مسئله‌ای با ابعاد سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای تبدیل شود. در چنین شرایطی، تحقیقات عراق درباره منشأ حمله و عوامل مرتبط با آن اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. تا زمانی که نتیجه این تحقیقات اعلام نشده، نسبت‌دادن قطعی مسئولیت حمله به یک کشور یا گروه مشخص، همچنان محل مناقشه خواهد بود. آنچه فعلا روشن است، تلاش تهران و بغداد برای حفظ هماهنگی و جلوگیری از تشدید تنش و هم‌زمان تلاش عربستان برای حفاظت از یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت خود است؛ مسیری که در شرایط کنونی، نقشی بیش از یک خط لوله انتقال نفت برای امنیت انرژی عربستان پیدا کرده است.

دانشجو، دانشگاه و جنگ

بگیرند. قرار نیست با هر اتفاقی فقط بیانه صادر شود.
تشکل‌های دانشجویی می‌توانند برای مسائل مهم کشور پرونده‌های چندماهه تشکیل دهند، پرسش‌های اصلی را دنبال کنند، با متخصصان گفت‌وگو کنند و یافته‌های خود را هم به نظام سیاسی و هم به جامعه با دو زبان متفاوت منتقل کنند.
نهاد دانشجویی نباید کارخانه تولید بیانه باشد؛ باید کارخانه تولید فهم باشد.

چهارم، باید از ظرفیت خود دانشجویان برای رساندن دانش به جامعه استفاده کرد. پژوهش‌ها و گفت‌وگوهای تخصصی می‌توانند به یادداشت، گزارش، یادکست، ویدئو و دیگر محتوای قابل فهم برای مردم تبدیل شوند. این هرگز به‌معنای ساده‌سازی و تهی‌سازی علم نیست، بلکه انتقال به بیانی دیگر برای مخاطب عام است. و پنجم، دانشگاه باید حافظه داشته باشد. اگر ضعفی شناسایی شد، چند ماه بعد مجدداً بپرسد چه شد؟ اگر پیشنهادی ارائه شد، بپگیری کند چه سرنوشتی پیدا کرد؟ اگر مسئولی وعده‌ای داد، نتیجه را مطالبه کند. این یعنی حرکت از واکنش به پیگیری و هبجان به اثرگذاری.

البته همه اینها بدون استقلال ممکن نیست. دانشگاهی که از پیش پاسخ همه پرسش‌ها را می‌داند، دانشگاه نیست. نهاد دانشجویی‌ای که فقط از رقیب خود سؤال می‌کند و نسبت به هم‌فکرانش سکوت دارد، مستقل نیست. و گفت‌وگویی که در آن همه از ابتدا به یک نتیجه رسیده‌اند، گفت‌وگو نیست.

امروز نیز در جنگ اقتصاد، انرژی، سیاست خارجی، اعتراضات اجتماعی و ده‌ها مسئله دیگر با همین وضعیت روبه‌رو هستیم. دانشگاه حرف دارد. اما جامعه صدای آن را کمتر می‌شنود. در مقابل، تربیون در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که با همه‌چیز را سیاه می‌بینند یا همه‌چیز را سفید. یک طرف می‌گوید ایران هیچ ندارد و طرف دیگر می‌گوید ایران همه‌چیز دارد. یک طرف شکست مطلق می‌بیند و طرف دیگر پیروزی مطلق. اما ایران واقعی، هیچ‌کدام از این دو نیست. ایران واقعی، کشوری است با ظرفیت‌ها و ضعف‌ها، قدرت‌ها و آسیب‌ها، فرصت‌ها و بحران‌ها. فهم این ایران نه با روایت‌سازی ممکن است و نه با هیجان و شعار. امروز بیش از هر زمان دیگری به دانشگاهی نیاز داریم که کمتر در حصار محیطی خود بماند و بیشتر با جامعه سخن بگوید؛ دانشگاهی که مسئله را بشناسد، درباره آن پژوهش کند، دیدگاه‌های مختلف را به گفت‌وگو بگذارد، یافته‌های خود را به زبان قابل فهم به جامعه منتقل کند، پیشنهاد دهد و نتایج کار خود را بپیکری کند. دانشگاه زنده، دانشگاهی است که هنوز سؤال دارد و دانشگاه مؤثر، دانشگاهی است که پاسخ‌ها و تحلیل‌های خود را نیز به جامعه می‌رساند. نباید رسالت نهادهای دانشجویی در جنگ و پس از جنگ، بیش از هر چیز همین باشد؛ دانشگاه نهاد دانشجویی باید آن‌قدر ببیند و آن‌قدر به حقیقت نزدیک شوند که بتوانند فهم آن را از دانشگاه به جامعه ببرند؛ زیرا وقتی دانشگاه میدان را خالی می‌کند، دیگران به‌جای آن سخن می‌گویند.

محمدمشورپاری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

شد. اما چه کسی باید این واقعیت پیچیده را برای جامعه توضیح دهد؟ اگر پاسخ دانشگاه نیست، پس چه نهادی؟ اگر متخصص علوم سیاسی نتواند پیامدهای سیاسی جنگ را تحلیل کند، اگر اقتصاددان آثار اقتصادی آن را توضیح ندهد، اگر جامعه‌شناس تجربه جامعه از جنگ را بررسی نکند و متخصص روابط بین‌الملل پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن را تبیین نکند، دانشگاه برای مواجهه با مسائل بزرگ عمیق‌تر نقشش دارد؟

مسئله این نیست که در دانشگاه تحلیل تولید نمی‌شود؛ اتفاقاً استادان و پژوهشگران بسیاری حرف دارند، مطالعه می‌کنند و تحلیل هم می‌نویسند؛ مسئله این است که این تولید فکری، به جامعه منتقل نمی‌شود.

گرچه تلخ، ولی دانشگاه در ایران هنوز نتوانسته میان تولید دانش و گفت‌وگوی عمومی، پلی جدی ایجاد کند. و این برای دانشگاه، به‌ویژه دانشگاه علوم انسانی، یک شکست است. دانشگاه نمی‌تواند ادعا کند درباره مسائل جامعه صاحب‌نظر است، اما در لحظه‌ای که جامعه نیازمند فهم است، خود را به کلاس، مقاله و نشست محدود کند. مقاله و پژوهش لازم است، اما اگر حاصل این همه دانش و گفت‌وگو نتواند به فهم بهتر جامعه از مسائل خود کمک کند، بخش مهمی از رسالت دانشگاه انجام نشده است.

در سخنرانی «رسالت نهادهای دانشجویی در جنگ»، از سه مفهوم استقلال، حقیقت و اثرگذاری به عنوان رسالت نهادهای دانشجویی صحبت کردم. اکنون نیز فکر می‌کنم مسئله از همین سه‌گانه گذر شده‌باشد قابل فهم است؛ دانشگاه و نهاد دانشجویی باید آن‌قدر مستقل باشند که روایت آماده هیچ جریان سیاسی یا رسانه‌ای را تکرار نکنند؛ و آن‌قدر حقیقت را جدی بگیرند که هم‌زمان موفقیت و ضعف موجود را ببینند و سپس آن‌قدر اثرگذار باشند که فهم خود را در چهاردیواری دانشگاه حبس نکنند. دانشگاه قرار نیست سرباز جنگ روایت‌ها باشد؛ دانشگاه باید محل بررسی روایت‌ها باشد. اما این نقش چگونه عملی می‌شود؟

نخست، دانشگاه باید برای مسائل اصلی کشور «پرونده» داشته باشد. نه اینکه هر مسئله فقط موضوع یک نشست برانگهد باشد. جنگ، اقتصاد، انرژی، سیاست خارجی و مهاجرت باید به‌صورت مستمر دنبال شوند؛ با تشکیل گروه‌های میان‌رشته‌ای، پژوهش، گفت‌وگو و ارائه نتایج به جامعه.

دوم، نشست باید آغاز کار باشد، نه پایان آن. هر نشست مهم دانشگاهی باید خروجی مشخص داشته باشد؛ یک جمع‌بندی تخصصی، یک گزارش قابل فهم برای عموم و در صورت امکان، پیشنهادهای مشخص برای سیاست‌گذار. دانشگاه باید یاد بگیرد دانش را به زبان عمومی ترجمه کند. سوم، نهادهای دانشجویی باید از واکنش‌محوری فاصله